

برخورد نسل‌ها؛ جوانی جمعیت و خشونت سیاسی

علی پژهان*

پروانه افشاری**، آنتیا کمالیها***

چکیده

امروزه نمی‌توانیم نقش تحولات جمعیت‌شناختی را در تبیین ستیزه‌ها و هویت سیاسی در سطح ملی، منطقه‌ای، و بین‌المللی نادیده بگیریم. وجود «جوانی جمعیت» (youth population) همواره در طول تاریخ با بحران سیاسی مرتبط بوده است. سؤال اصلی مقاله این است که «آیا کشورها و مناطق دارای ساختار جمعیتی جوان‌تر در معرض دچار شدن به خشونت سیاسی قرار دارند؟». در این پژوهش، از روش «مرور نظام‌مند» (systematic review) و برای تبیین مسئله از نظریه‌های رابرت کاپلان (۱۹۹۴)، فرید زکریا (۲۰۰۱)، و ... استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد ارتباط آماری بین ساختار سنی جمعیت و خشونت سیاسی امری شناخته و پذیرفته شده است. بنابراین، همان‌طور که آب باعث می‌شود صخره شکل بگیرد، تغییرات جمعیتی نیز باعث شکل‌گیری قدرت سیاسی می‌شوند. روندهای جمعیتی به طرق گوناگون می‌توانند امنیت حکومت و توسعه کشورها را تحت تأثیر قرار دهند. جمعیت‌شناسی یقیناً استحقاق این را دارد که در برنامه‌ریزی‌ها و تحلیل‌های سیاسی بیش‌تر مدنظر قرار گیرد تا از ایجاد خشونت و نزاع جلوگیری کند.

کلیدواژه‌ها: جوانی جمعیت، برخورد نسل‌ها، خشونت سیاسی، دوره فشرده جمعیت‌شناختی.

* استادیار جمعیت‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز (نویسنده مسئول)
Pezhhan_ali@yahoo.com

** دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی، مسئول تعهدات بلندمدت سازمان تأمین اجتماعی
afsharip1@gmail.com

*** کارشناس ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، کارشناس مسئول پژوهشگاه علوم انسانی
bahar.pk2020@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۰۲

۱. مقدمه

جوانان اغلب نقش مهمی در خشونت‌های سیاسی ایفا می‌کنند و وجود «تورم جوانی جمعیت» همواره در طول تاریخ با زمان بحران سیاسی در ارتباط بوده است (گلدستون ۱۳۹۴؛ Goldstone 1991). عموماً مشاهده شده است که مردان جوان قهرمانان اصلی وقایع جنایی و هم‌چنین خشونت‌های سیاسی هستند.

این که کشورها و مناطق دارای جمعیتی با ساختار جوان، یعنی دچار تورم جوانی جمعیت، در معرض خشونت سیاسی بیش‌تری هستند در طول دهه گذشته توجهات زیادی را به خود جلب کرده است. این امر متعاقب طرح مباحث عمومی‌تر در مورد پی‌آمدهای امنیتی فشار جمعیت و کمبود منابع صورت گرفته است. در مقاله «هرج و مرج آینده»، رابرت کاپلان استدلال می‌کند که در آینده هرج و مرج و فروپاشی دولت‌های ملی به عوامل جمعیت‌شناختی و زیست‌محیطی مربوط و متناسب خواهد شد (Kaplan 1994: 46). اخیراً، تورم جوانی جمعیت به موضوعی برای توضیح بی‌ثباتی سیاسی کنونی در جهان عرب و گرایش جوانان به استخدام در شبکه‌های تروریستی بین‌المللی تبدیل شده است. در مقاله‌ای زمینه‌ای در مورد بررسی علل ریشه‌ای حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ در آمریکا، فرید زکریا، سردبیر نیوزویک، استدلال می‌کند که تورم جوانی جمعیت، با ترکیب شدن با تغییرات آهسته اقتصادی و اجتماعی، مبنایی برای تجدید حیات اسلامی در جهان عرب فراهم کرده است (Zakaria 2001: 24). ساموئل هانتینگتون برای ارائه مشخصه‌های «برخورد تمدن‌ها»، با اضافه کردن ابعاد ساختار سنی به این‌گونه خشونت‌ها، چنین می‌گوید:

من فکر نمی‌کنم اسلام از ادیان دیگر خشن‌تر باشد، اما عامل کلیدی و اصلی عامل جمعیتی است. به‌طور کلی، افرادی که از خانه بیرون می‌روند و مبادرت به کشتن افراد دیگر می‌کنند عموماً مردانی بین شانزده تا سی سال هستند. در طول دهه‌های ۱۹۶۰، ۱۹۷۰، و ۱۹۸۰ نرخ باروری بالایی در جهان اسلام وجود داشته که منجر به تورمی شدید در شمار جمعیت جوانان این کشورها شده است. اما در آینده این تورم افول می‌کند و محو خواهد شد. نرخ زادوولد در میان مسلمانان رو به کاهش است و در واقع این میزان پیشاپیش به‌طور چشم‌گیری در برخی از این کشورها کاهش یافته است (Huntington 2001: 1).

دوره جوانی به‌لحاظ جمعیت‌شناختی از اهمیت قابل توجهی در مقایسه با سایر دوره‌های چرخه زندگی برخوردار است. گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال گروهی سنی است که بیش‌ترین

تراکم جمعیت‌شناختی را دارد. در ایران وزارت ورزش و جوانان دوره سنی ۱۵-۲۹ سال را سنین جوانی تعیین کرده است. بر این اساس، ریندوفوس (۱۹۹۱) دوره جوانی را «دوره فشرده جمعیت‌شناختی» (demographically dense period) نام‌گذاری کرده است، بدین معنی که بیش‌تر وقایع و رفتارهای جمعیتی در طول سال‌های دوره جوانی رخ می‌دهد. در این سنین، بیش‌ترین تغییرات و گذارهای زندگی نظیر اتمام و ترک تحصیل، ورود به بازار کار، گذار به بزرگسالی، ازدواج و تشکیل خانواده، تجربه والدینی، طلاق، رفتارهای پرخطر، مهاجرت، و غیره رخ می‌دهد.

جوانان غالباً نقش تعیین‌کننده‌ای در خشونت‌های سیاسی ایفا می‌کنند و در طول تاریخ وجود پدیده رشد تورمی جمعیت جوان معمولاً با زمان‌های بحران سیاسی مقارن بوده است. به‌طور کلی مشاهده شده است که مردان جوان شخصیت‌های اصلی خشونت‌های سیاسی و جنایی نیز هستند. آیا در کشورهایی که ساختار سنی جوان دارند احتمال وقوع خشونت سیاسی بیش‌تر است؟ رابرت کاپلان در اثرش با عنوان «هرج و مرج آینده» استدلال می‌کند که در آینده هرج و مرج و افول نظام‌های دولت-ملت ناشی از عوامل جمعیت‌شناختی و محیطی خواهد بود. فرید زکریا (۲۰۰۱) در بررسی علل حملات تروریستی یازده سپتامبر در ایالات متحده این‌گونه استدلال کرد که پدیده رشد تورمی جمعیت جوان و تغییرات کند اقتصادی و اجتماعی سبب شده است پایه‌های رنسانس مذهبی در جهان عرب شکل گیرد. گولدستون و اریک کافمن (۲۰۰۱) می‌گویند اگر کشوری ساختار سنی جوان دارد بدین معنی نیست که خشونت لزوماً سرنوشت حتمی آن کشور خواهد بود. در واقع، اغلب کشورهای دارای ساختار سنی جوان عمدتاً از نزاع‌های مسلحانه اجتناب می‌کنند. با این‌همه، پدیده رشد تورمی جمعیت جوان معمولاً حکومت‌ها را با چالش‌های جدی مواجه می‌کند و حکومت‌ها نیز ناچارند برای حل و فصل آن فرصت‌های مناسبی برای جوانان فراهم آورند تا بتوانند در آموزش و تحصیلات و بازار کار و ادراک کشور مشارکت کنند. در جاهایی که این فرصت‌های مناسب فراهم است، رشد تورمی جمعیت جوان بیش از آن‌که مایه ندمت باشد سبب برکت خواهد بود.

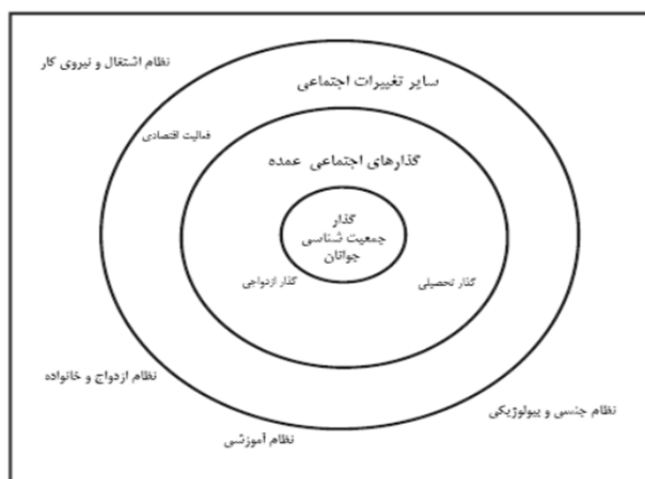
امروزه در جهان اسلام جوانان بیش‌ترین درصد جمعیت را به خود اختصاص داده‌اند؛ مثلاً یمن بالاترین درصد تورم جوانی جمعیت را با ۶۵/۳ درصد دارد و بعد عربستان سعودی با ۶۲/۳، عراق با ۶۱/۷، پاکستان با ۶۱ و ایران با ۲۵/۳ درصد. تعداد جوانان در ایران در سال ۲۰۰۰ به ۳۰/۳ درصد و در سال ۲۰۱۶ به ۱/۲۵ درصد رسید و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۰ به ۲۴/۴ درصد و در سال ۲۰۳۰ به ۲۰/۹ درصد خواهد رسید

(Fuller 2003). ایران از دهه گذشته پدیده تورم جوانی جمعیت را تجربه کرده است. امروزه کشور با افزایش بی سابقه رشد و تعداد جمعیت جوان (۲۴-۳۵ سال) مواجه است. براساس آخرین سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵، نزدیک به یک سوم جمعیت را جوانان ۱۵-۲۹ سال تشکیل می دهند. در سال ۱۳۹۵ بیشترین تعداد جمعیت (۱۸۲۱۳۲۹) در سن سی سال بوده اند. به تدریج، روند حرکت جمعیت از جوانی به سوی میان سالی است و پرجمعیت ترین گروه سنی گروه ۳۰-۳۴ سال است. چنین افزایشی در تعداد و سهم جمعیت جوان پدیده منحصر به فردی در تاریخ اجتماعی و جمعیتی ایران محسوب می شود. تغییرات در تعداد جوانان با تغییرات در ترکیب اجتماعی و جمعیتی همراه شده است. بر این اساس، تغییرات اجتماعی، رفتارهای فردی، و مشخصه های جمعیتی جوانان همواره مورد توجه حوزه های مختلف علوم اجتماعی بوده است. هم چنین، ضرورت شناخت مسائل جوانان از اولویت های مهم در عرصه سیاست گذاری و برنامه ریزی است. از این رو برخورد نسل ها و خشونت سیاسی جوانان نه تنها از منظر جمعیت شناسی، بلکه از نظر اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

در مقاله حاضر به بحث و ارائه نتایج در مورد برخی از مطالعات تجربی اخیر در زمینه جوانی جمعیت و خشونت سیاسی می پردازیم. به منظور ارائه تصویری منسجم از این تحقیقات و یافته های آنها از شیوه مرور نظام مند استفاده شده است. مرور نظام مند تحقیقات و مطالعات گذشته باعث سازمان دهی پژوهش ها، بهره برداری بیش تر از تحقیقات، و ایجاد ارتباط بین پژوهش های گذشته و آینده می شود. نتایج حاکی از آن است که ارتباط آماری کلی بین ساختار سنی جمعیت و خشونت سیاسی امری شناخته و پذیرفته شده است. شواهدی در دست است که نشان می دهد دولت هایی که در آموزش و پرورش متوسطه سرمایه گذاری می کنند کم تر با خطر بروز درگیری ها مواجه می شوند. علاوه بر این، امروزه احتمالاً کشورهای بیش تری با این واقعیت مواجه اند که داشتن گروه های بزرگی از جوانان می تواند به جای جنگ و درگیری ابزاری برای توسعه اقتصادی باشد. هم گام با کاهش میزان باروری و میزان وابستگی، عرصه برای منافع و مزایای جمعیت شناختی این گروه گشوده می شود. در جوامعی که با کاهش باروری و به دنبال آن با کاهش نسبت وابستگی اقتصادی مواجه می شوند، بالا بودن نسبت رشد جمعیت جوان می تواند موتور محرک توسعه اقتصادی آن جوامع باشد. به همین دلیل در این مقاله درصددیم، ضمن پرداختن به سؤالات مذکور، به سؤال اصلی مقاله هم پاسخ دهیم و آن این که «چگونه کشورهای که دارای ساختار جمعیتی جوان هستند بیش تر در معرض خشونت سیاسی قرار دارند».

۲. ملاحظات نظری و تجربی

چهارچوب گذار جوانی بر این نکته تأکید دارد که تغییرات اساسی در ترکیب اجتماعی جوانان مهم‌تر از ابعاد جمعیت‌شناختی آن است. نیروهای تغییر اجتماعی، در هم‌گرایی با جوانی جمعیت، اشکال جدیدی را در مشخصه‌های ترکیب اجتماعی و جمعیتی جوانان ایجاد می‌کنند. این تغییرات «گذار جوانی» نامیده می‌شود (صادقی و دیگران ۱۳۹۴). مهم‌ترین ابعاد تغییرات اجتماعی گذار جوانی به تأخیر انداختن ازدواج و افزایش حضور در مدارس و دانشگاه‌هاست. ورود به بازار کار و تغییرات اقتصادی نیز از تغییرات دوره جوانی است. این تحولات هسته‌های اصلی گذارها و تغییرات اجتماعی هستند.



شکل ۱. عناصر و مؤلفه‌های گذار جوانی (Xenos and Kabamalan 1998)

همان‌طور که در شکل ۱ مشخص است، هسته اصلی گذار جوانی گذار جمعیتی است که با مفهوم تورم جوانی مشخص است و جمعیت‌شناسی جوانان محور اصلی مطالعات گذار جوانی است. امروزه، افزایش مدت تحصیل، تأخیر در ورود به بازار کار، و هم‌چنین مشکلات تهیه مسکن و مانند آن موجب شده است جوانان دیرتر ازدواج کنند و گذار به بزرگسالی با مسائلی برای جوانان، خانواده‌ها، و جامعه همراه باشد که نیازمند مطالعه و پژوهش است.

تبیین برخورد نسل‌ها، تورم جوانی، و خشونت سیاسی جوانان را می‌توان در قالب دو دسته از نظریه‌ها (فرصت و انگیزه) ارائه کرد. گفتمان‌های غالب درباره جوانان را می‌توان به پنج دسته تقسیم کرد. در دوره اول که با سال‌های آغازین انقلاب اسلامی مقارن است

هیچ ساختار فرابخشی که مسئول رسیدگی به امور جوانان باشد وجود نداشت. در دوره دوم، یعنی سال‌های جنگ تحمیلی، به جوانان بیش‌تر به‌چشم نیروهای مدیریت‌کننده جنگ نگریسته می‌شد. در این دوره نیز ساختار فرابخشی مختص جوانان وجود نداشت. در دوره سازندگی (۱۳۶۸-۱۳۷۶) نگاه فرهنگی به جوانان، که در دوره‌های قبل شکل گرفته بود، حتی پررنگ‌تر شد و بر اوقات فراغت جوانان و جلوگیری از تهاجم فرهنگی غرب تأکید شد. در این دوره شورای عالی جوانان در سال ۱۳۷۳ به‌مثابه نهاد فرابخشی برای رسیدگی به امور جوانان تأسیس و منشور تربیتی جوانان، که مؤید غلبه رویکرد فرهنگی در امور جوانان بود، تدوین شد. درنهایت، در برنامه‌های اول و دوم توسعه بیش‌تر بر سیاست‌گذاری فرهنگی برای جوانان تأکید شد. در دوره اصلاحات (۱۳۷۶-۱۳۸۴)، جوانان عاملان اجتماعی و نیروی پیش‌برنده تحولات اجتماعی دانسته می‌شدند. این دوره را می‌توان به دو زیردوره تقسیم کرد: در شش سال اول دولت اصلاحات، ضمن حفظ مسئولان در حوزه امور مربوط به جوانان، رویکردها در این حوزه از فرهنگی صرف به فرهنگی-اجتماعی تغییر کرد: بر مشارکت جوانان به‌ویژه از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد و طرح مشاوره ملی جوانان و غنی کردن اوقات فراغت جوانان تأکید شد، مرکز ملی جوانان تأسیس شد، و هم‌چنین شبکه ملی سازمان‌های مردم‌نهاد جوانان به‌راه افتاد. از موضوعات قابل توجه دیگر در این دوره این است که در برنامه سوم توسعه و بر مبنای ره‌یافت اجتماعی-فرهنگی توجه بیش‌تری به جوانان مبذول شد (کمالی‌ها ۱۳۹۵).

اهمیت جوانی جمعیت در برنامه‌ها و سیاست‌های توسعه در ایران متبلور است و تلاش‌های زیادی در سال‌های اخیر در این زمینه صورت گرفته است. با این حال، هنوز شاخص‌های توسعه مربوط به جوانان در سطح مطلوبی نیست و جامعه علمی، تصمیم‌گیران، و سازمان‌های مرتبط با امور جوانان به شناخت جامع و واقع‌بینانه‌ای درباره زوایای مختلف جمعیت‌شناسی جوانان دست نیافته‌اند.

پیشینه و ادبیات پژوهشی موجود در زمینه جوانی جمعیت تاکنون بر ناآرامی‌های ناگهانی و نه‌چندان شدید مانند اعتراضات و شورش‌های غیرخشونت‌آمیز متمرکز بوده است. با این حال، جوانی جمعیت ممکن است خطر و احتمال بروز اشکال سازمان‌یافته‌تر خشونت‌های سیاسی مانند درگیری‌های داخلی مسلحانه را افزایش دهد. در این مقاله به بررسی دو سنت نظری غالب و متضاد (رقیب) و در عین حال غیرمنحصربه‌فرد مطرح در زمینه مطالعات مربوط به جنگ و درگیری‌های داخلی می‌پردازیم که یکی از آن‌ها بر فرصت‌ها و دیگری بر انگیزه‌های جنگ و درگیری متمرکز است.

هر دو دیدگاه مبتنی بر فرصت و انگیزه چهارچوب‌های سطح کلان هستند که قائلان به آن‌ها می‌کوشند برای تبیین وقایعی که اساساً متشکل از یک‌سری تصمیمات فردی در پیوستن یا نپیوستن به سازمانی شورشی و تروریستی است با تمرکز بر ویژگی‌های ساختاری اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی توضیحی ارائه دهند. در ادبیات پژوهشی دیدگاه فرصت‌محور، مفهوم حرص و آز مطرح می‌شود که ریشه در نظریه اقتصادی دارد و بر شرایطی ساختاری متمرکز است که فرصت کافی را برای گروهی شورشی جهت آغاز جنگ علیه دولت مرکزی یک کشور فراهم می‌کند (Collier 2000; Collier and Hoeffler 2004). جملگی این‌ها شرایطی است که برای گروه شورشی امکانات مالی برای مبارزه با دولت را فراهم می‌کند یا عواملی است که به کاهش هزینه‌های شورش از قبیل هزینه‌های اندک و غیرعادی استخدام سربازان شورشی منتهی می‌شود. پل کالیر، مدیر پیشین تحقیقات بانک جهانی، معتقد است گروه‌های سنی نسبتاً پرشمار جوانان هم فرصت و هم تهدید است. وقتی که دولت‌ها بتوانند از این تعداد جمعیت در مسیر توسعه اقتصادی و اجتماعی خود حداکثر استفاده را بکنند فرصت محسوب می‌شود. چه بسا دولت‌ها در این عرصه سیاست‌های جمعیتی نداشته باشند که در درازمدت به شورش و درگیری داخلی با دولت منجر می‌شود (Collier 2000: 94).

ریشه‌های سنت پژوهشی معطوف به انگیزه، یا دیدگاه اعتراضی، به نظریه محرومیت نسبی برمی‌گردد و در این رویکرد تمایل بر این است که فوران خشونت سیاسی ابزارِ منطقی برای جبران نارضایتی اقتصادی یا سیاسی در نظر گرفته شود (Gurr 1970: 223). انگیزه لازم برای ارتکاب خشونت سیاسی می‌تواند اقتصادی (مانند فقر، رکود اقتصادی، و نابرابری) یا سیاسی (مانند فقدان دموکراسی، فقدان نمایندگی اقلیت، یا خودگردانی) باشد. بسیاری از مقالات موجود در زمینه تورم جوانی جمعیت و خشونت سیاسی به گونه‌ای قابل بحث ذیل این سنت قرار می‌گیرد. این آثار بر این نکته تمرکز دارند که چگونه گروه‌های پرشمار جوانان که با ازدحام نهادی موجود در بازار کار یا نظام آموزشی و نبود آزادی‌های سیاسی دست‌وپنجه نرم می‌کنند و نیز انبوه جمعیت مستقر در مراکز شهری ممکن است (روزی) آزرده و ناراضی شوند و بدین‌سان راه برای خشونت سیاسی هموار شود (گلدستون ۱۳۹۴؛ Choucri 1974؛ Braungart 1984).

با این‌که این دیدگاه‌ها (فقط) به‌عنوان الگوهای ایده‌آل سودمندند، گاهی در آن‌ها بیش‌ازحد به تمایز بین دیدگاه‌های مبتنی بر انگیزه و فرصت پرداخته می‌شود که این کار به چند دلیل صورت می‌گیرد. اول این‌که دیدگاه مبتنی بر انگیزه در ساده‌ترین صورتش به پیش‌بینی توأم با اغراق وقوع خشونت سیاسی می‌پردازد، ولی وجود نارضایتی جدی

همواره دلیل کافی برای طغیان و اعمال خشونت‌آمیز جمعی به‌شمار نمی‌آید (Kahl 1998). این‌که انگیزه از طریق خشونت سیاسی التیام یابد فقط زمانی میسر است که امکانات مالی برای شورش در دست‌رس و هزینه‌های آن کم باشد یا دولتی ضعیف بر سر کار باشد. دلیل دوم این است که در مواردی ممکن است عوامل مربوط به دیدگاه فرصت‌محور علت وقوع جنگ‌های داخلی را بهتر تبیین کنند، ولی این لزوماً به این معنا نیست که کنش‌گران این عرصه نمی‌توانند انگیزه قوی برای کارهای خود داشته باشند. دلیل سوم این است که بسیاری از عوامل ممکن است به یک اندازه نشان‌دهنده و توصیف‌کننده هر دو عامل فرصت و انگیزه باشند. مثلاً جوانی فقیر ممکن است واجد شرایط هر دو عامل در نظر گرفته شود و داوطلبی بالقوه کم‌هزینه هم‌زمان می‌تواند فردی ناراضی دارای انگیزه‌های ناشی از محرومیت اقتصادی و سیاسی باشد.

۳. عوامل زمینه‌ای مرتبط با مناقشات و درگیری‌های جوانان

عوامل زمینه‌ای مرتبط با مناقشات و درگیری‌های جوانان عبارت‌اند از:

- اثر حجم گروه سنی؛
- رشد اقتصادی؛
- تحصیلات؛
- فقدان دموکراسی؛
- شهرنشینی.

۱.۳ اثر حجم گروه سنی (کوهورت)

صرف وجود گروه بزرگ و پرشماری از جوانان عاملی است که باعث کاهش هزینه استفاده آنان (برای شورشیان) می‌شود، چون هزینه مربوط به فرصت برای فردی جوان به‌طور کلی کم‌تر است (Collier 2000: 94). این فرضیه‌ای است که بنیان آن در میزان دسترسی به فرصت‌های جای‌گزین کسب درآمد قرار دارد. اگر جوانان به‌گونه‌ای رها شوند که هیچ چاره‌ای جز مواجهه با بی‌کاری و فقر نداشته باشند، به‌طور فزاینده و به‌احتمال زیاد پیوستن به شورش و طغیان را به‌عنوان روش جای‌گزین ایجاد درآمد برای خود برخواهند گزید.

اگر بازار کار نتواند مازاد ناگهانی جویندگان جوان کار را جذب کند، گروه بزرگ و پرشماری از جوانان بی‌کار موجبات سرخوردگی شدید در جامعه را فراهم خواهند کرد و، در موارد استثنایی، چالش ایجاد شغل و استخدام گروه‌های بزرگی از جوانان که به نیروی کار کشور افزوده می‌شوند می‌تواند خطرناک و طاقت‌فرسا باشد. در عربستان سعودی چهار میلیون نفر به نیروی کار اضافه خواهند شد که برابر با دوسوم نیروی کار ملی عربستان در حال حاضر خواهد بود (Winckler 2002: 621). در ایران پنج میلیون نفر نیروی کار اضافه وجود خواهد داشت که برابر با دوسوم نیروی کار ملی ایران در حال حاضر خواهد بود. البته مقام معظم رهبری در اول فروردین سال ۱۳۹۶ در مشهد به اشتغال این جوانان تأکید ویژه‌ای داشته‌اند و دولت را ملزم به سیاست‌گذاری و پاسخ‌گویی در این حوزه دانستند. مشکلات اجتماعی و اقتصادی مرتبط با «تورم جوانی جمعیت» ممکن است زمینه مناسبی را برای عضوگیری سازمان‌های تروریستی از میان این جوانان فراهم کند (Lia 2005: 141). خطر گروه پرشماری از جوانان، که شکل‌گیری‌اش مربوط به دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ است، امروزه در کشور ایران احساس می‌شود. این امر بعضاً ممکن است مثبت تلقی شود و به نوآوری در حوزه‌های شغلی و فناوری‌های جدید بینجامد، اما متأسفانه تمهیدات لازم برای جذب این جوانان صورت نگرفته که موجب سرخوردگی آن‌ها در حوزه اقتصادی و اجتماعی شده است. چه بسا ماهیت درگیری‌های خیابانی ۱۰ دی ۱۳۹۶ در ایران فرضیه ما را تأیید کند.

۲.۳ رشد اقتصادی

عملکرد کلی اقتصاد یک جامعه عاملی مهم و تعیین‌کننده در پیوستن به جنبشی شورشی است و در نتیجه فرصتی برای وقوع شورش خواهد بود. رشد اقتصادی طی یک دوره طولانی ممکن است به صورت جای‌گزین برای فرصت‌های جدید درآمدی وارد عمل شود (Collier and Hoeffler 2004: 569). ادبیات پژوهشی دیدگاه انگیزه‌گرا نیز در نگرانی‌های ناشی از رکود اقتصادی با دیدگاه قبلی شریک است. جوانان متعلق به گروه‌های سنی بزرگ و پرشمار، به خصوص اگر ورودشان به بازار کار هم‌زمان با دوره افول جدی و وخامت شدید اوضاع اقتصادی باشد، در مقابل بی‌کاری آسیب‌پذیرتر خواهند بود. چنین هم‌زمانی در وقوع این روی‌دادها ممکن است باعث ایجاد ناامیدی و سرخوردگی در میان جوانان شود و آن‌ها را به سمت توسل به خشونت سوق دهد (Choucri 1974: 73). در ادبیات اقتصادی از جوانان با عنوان ارتش ذخیره بازار کار یاد می‌شود. در حالی که به‌کارگیری این پتانسیل در

بازار کار می‌تواند نقشی کلیدی در توسعه جامعه داشته باشد، انفعالشان بیش از سایر اقشار جامعه آنان را در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار می‌دهد و پی‌آمدهای نامطلوب فردی و اجتماعی خواهد داشت.

در ایران جوانان نه تنها به لحاظ وزن جمعیتی اهمیت یافته‌اند، بلکه از نظر اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی نیز اهمیت دارند. در واقع، نه تنها نسبت جمعیت جوان به جمعیت کل کشور به لحاظ عددی افزایش یافته است، بلکه به لحاظ کیفی (باسواد، شهرنشینی، و دسترسی به رسانه‌های جمعی و استفاده از آن‌ها) نیز نسبت به کل جمعیت از رشد بیش‌تری برخوردار شده‌اند. از این رو، جمعیت جوان کشور از ویژگی‌های توسعه‌نظر تحصیل‌ات عالی، آگاهی، و مهارت برخوردار است که این می‌تواند منشأ تحولات اجتماعی، اقتصادی، و فناورانه در کشور باشد. با در نظر داشتن منافع و مزایای بالقوه این تجربه گذار جمعیتی در کشور، محققان چنین ساختار جمعیتی را به «پنجره» یا «هدیه» جمعیتی تعبیر کرده و اقتصاددانان نیز از آن با عنوان «سود جمعیتی» یاد کرده‌اند. بالفعل شدن این سرمایه بالقوه مستلزم آن است که اولاً شناخت درستی از ویژگی‌ها و مزایای این جمعیت وجود داشته باشد و ثانیاً امکانات و شرایط لازم برای استفاده از چنین موهبتی فراهم شود. در چنین شرایطی است که نیروی جوان موجود می‌تواند به تولید و بهره‌وری بپردازد و رشد و رونق اقتصادی و رفاه اجتماعی را تضمین کند. به تعبیر برخی اقتصاددانان و جمعیت‌شناسان رشد اقتصادی باید شش برابر نرخ رشد جمعیت باشد تا بتوانیم جمعیت کیفی داشته باشیم. اما متأسفانه این نرخ در ایران در حال حاضر این‌گونه نیست. رشد اقتصادی نه تنها نشان‌دهنده نرخ درآمد سرانه است، بلکه دربردارنده شاخص‌های اجتماعی پایه همانند نرخ مرگ‌ومیر نوزادان، امید به زندگی، و سطح آموزش نیز است.

۳.۳ تحصیلات

یکی از ابزارهایی که کشورها می‌توانند به منظور پاسخ‌گویی به تورم جوانی جمعیت از آن بهره‌برداری کنند گسترش آموزش عالی است. آیا این ابزار می‌تواند به صورت راه‌بردی برای کاهش خطر بروز خشونت سیاسی عمل کند؟ سطوح بالاتر آموزش در میان مردان ممکن است به کاهش خطر ابتلا به خشونت سیاسی منجر شود. از آن‌جاکه مردان تحصیل‌کرده از فرصت‌های کسب درآمد بهتری در مقایسه با افراد غیرتحصیل‌کرده برخوردارند، منافع بیش‌تری برای ازدست‌دادن خواهند داشت و از این رو احتمال پیوستن آن‌ها به شورش ضعیف‌تر است (Collier 2000). یک بررسی، که اخیراً براساس مصاحبه با سربازان جوان

انجام شده است، نشان‌دهنده پشتیبانی قوی سطح خرد از انتظارات بوده و دال بر این است که فقر، فقدان تحصیلات، و فرصت‌های درآمدی کم یکی از دلایل مهم برای پیوستن به گروه‌های شورشی است (Brett and Specht 2004).

سطح آموزش بالاتر در جامعه به ایجاد شرایطی منجر می‌شود که در آن عضوگیری و استخدام برای شورشیان پرهزینه‌تر و احتمال شورش کم‌تر می‌شود (Collier and Hoeffler 2004). این یافته در تضاد با ادبیات و دیدگاه انگیزه‌گرا نیست. با این حال، این دیدگاه می‌گوید هنگامی که کشورها با گسترش فرصت‌های آموزش عالی به نیاز (تحصیلی) گروه‌های بزرگی از جوانان پاسخ می‌دهند این ممکن است به پیدایش گروهی بسیار پرشمار از جوانان دارای تحصیلات عالی منجر شود که شمار ایشان (احتمالاً) بسیار بیش از تعدادی است که می‌توان در اقتصادی طبیعی آن‌ها را جا داد (و برای آن‌ها شغل ایجاد کرد)، مگر این‌که دولت قادر و مایل به جذب مازاد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در بخش دولتی باشد. مثلاً در این زمینه می‌توان به اقدامات دولت مصر اشاره کرد (Winckler 2002: 630). بی‌کاری شایع در میان بخش‌های جوان دارای تحصیلات عالی جامعه ممکن است باعث سرخوردگی و نارضایتی آن‌ها شود و به ایجاد انگیزه برای خشونت‌های سیاسی بینجامد. این مسئله مورد بحث است که آیا نرخ بالای بی‌کاری در میان جوانان تحصیل کرده یکی از پدیده‌های اجتماعی و سیاسی بی‌ثبات‌کننده و پدیده‌ای بالقوه خشونت‌آمیز در هر رژیم است یا خیر (Choucri 1974: 73). بر مبنای سوابق تاریخی، افزایش سریع تعداد جوانان تحصیل کرده اغلب پیش‌درآمد خیزش‌ها و تحولات سیاسی بوده است (گلدستون ۱۳۹۴: ۹۵). هم‌چنین برخی استدلال کرده‌اند که گسترش آموزش عالی در بسیاری از کشورهای خاورمیانه به ایجاد اقشار و طبقات زیادی از جوانان تحصیل کرده منجر شده است که بازار کار نمی‌تواند آنان را جذب کند و این امر تابه‌حال اثر بنیادی (رادیکال) بر جوامع داشته و نیروها و اعضای جدیدی را برای سازمان‌های ستیزه‌جو در منطقه فراهم کرده است (Lia 2005: 145-146). در ایران بخش قابل‌توجهی از جوانان غیرفعال کسانی هستند که در عین حال تحصیل نیز نمی‌کنند. در ادبیات پژوهشی مربوط به این موضوع از گروه اخیر با عنوان جوانان «علاف» یاد می‌شود. اینان بخشی از جمعیت جوان هستند که روال طبیعی گذار از تحصیل به کار را طی نکرده‌اند. براساس نتایج پیمایش نیروی کار در سال ۱۳۹۴، که در مرکز آمار ایران انجام شده است، ۲۶/۸ درصد از جوانان کشور «علاف» هستند. در این خصوص، زنان نسبت به مردان و جوانان روستایی نسبت به جوانان شهری بیش‌تر «علاف» هستند. هم‌چنین، این شاخص بیش‌از همه مربوط به استان سیستان و بلوچستان (۴۰/۶ درصد) و کم‌تر از همه

متعلق به استان یزد (۱۸ درصد) است. نگارندگان بر این باورند که اگر دولت در برخی از مناطق از جمله سیستان و بلوچستان بتواند پاسخ‌گوی نیاز جوانان درمورد گسترش آموزش باشد، قطعاً سالانه از ورود صدها جوان به عملیات‌های انتحاری جلوگیری می‌کند.

درحالی‌که بیش از یک دهه از ورود جمعیت ایران به وضعیت «پنجره جمعیتی» می‌گذرد، سالانه بر جمعیت دارای تحصیلات عالی به‌ویژه تحصیلات تکمیلی افزوده می‌شود. براساس آمار وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری در سال تحصیلی ۱۳۸۴-۱۳۸۵ تعداد فارغ‌التحصیلان آموزش عالی ۳۴۰۲۴۶ نفر بوده است که این رقم در سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۳ به ۷۳۳۲۶۰ نفر رسیده است. بالطبع، این وضعیت الزامات و پی‌آمدهایی در بازار کار فارغ‌التحصیلان دانشگاهی دارد. درحالی‌که در سال‌های گذشته همواره ایجاد فرصت‌های شغلی برای این افراد یکی از دغدغه‌های اصلی دولت‌ها بوده است، شاخص بی‌کاری در بین این قشر فرهیخته همچنان نامطلوب است. در این زمینه، براساس نتایج طرح پیمایش نیروی کار مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۴، درحالی‌که نرخ بی‌کاری کل کشور ۱۱ درصد است، نرخ بی‌کاری فارغ‌التحصیلان ۱۸/۵ درصد است. این شاخص در میان زنان بیش از دو برابر مردان است. به‌علاوه، نرخ مشارکت اقتصادی فارغ‌التحصیلان ۶۶/۳ درصد و بسیار بالاتر از نرخ مشارکت اقتصادی کل کشور (۲۸/۲ درصد) است. هم‌چنین، نتایج حاکی از آن است که دامنه تغییرات نرخ بی‌کاری در بین رشته‌های تحصیلی بسیار زیاد و بیش‌ترین آن در بین فارغ‌التحصیلان علوم کامپیوتر است.

لذا جوانی جمعیت دوره تحول اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی است. از این رو، این دوره نه‌تنها از نظر جمعیت‌شناختی، بلکه به‌لحاظ اجتماعی و سیاسی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این دوره فرد شرایط لازم را برای کنش مستقل در تمام عرصه‌های زندگی کسب می‌کند و با اندوخته‌های خود وارد عرصه اجتماع می‌شود. بر این اساس، تغییرات در دوره انتقال جوانی به‌لحاظ تاریخی با انتقال جمعیتی و تغییرات اقتصادی و اجتماعی آن مرتبط است. در بستر مدرنیته و توسعه، تغییرات در تعداد جوانان با تغییرات در ترکیب اجتماعی آن‌ها همراه بوده است. جوانان نه‌تنها سازنده آینده کشور، بلکه جزء اصلی زمان حال و جامعه کنونی‌اند. اما متأسفانه با مرور قوانین مرتبط با جوانان و در بحث بی‌کاری، که شاید بتوان گفت مهم‌ترین مسئله کنونی جوانان ایرانی و خصوصاً فارغ‌التحصیلان دانشگاهی است، برنامه مدون و لازم‌الاجرای که به‌طور جدی در دستورکار نهادهای ذی‌ربط قرار گیرد یافت نشد و فقط در مواردی با کلی‌گویی و درکنار سایر مسائل به این موضوع نیز اشاراتی شده است.

۴.۳ فقدان دموکراسی

دیدگاه‌های مبتنی بر فرصت و انگیزه، هنگامی که از آن‌ها برای ارزیابی نقش دموکراسی استفاده می‌شود، پیش‌بینی‌های متضادی به دست می‌دهند. ادبیات پژوهشی و پیشینه دیدگاه مبتنی بر فرصت نشان می‌دهد هرچه فرصت برای بروز خشونت سیاسی بیش‌تر باشد خودکامگی دولت کم‌تر است، در حالی که در مکتب انگیزه‌گرا این‌طور استدلال می‌شود که ظلم و ستم سیاسی و فقدان حقوق سیاسی هرچه شدیدتر باشد انگیزه قوی‌تری برای بروز خشونت سیاسی فراهم خواهد شد. چندین مطالعه تجربی در باب رابطه نوع رژیم و جنگ داخلی رابطه معکوس «یو» شکلی (U) را بین دموکراسی و مناقشات و جنگ‌ها آشکار کرده‌اند و نشان می‌دهند جوامع دارای رژیم کاملاً استبدادی یا بسیار دموکراتیک آرام‌ترین و صلح‌آمیزترین جوامع هستند (Hegre et al. 2001). این رابطه مفروض به‌عنوان نتیجه از هر دو دیدگاه مبتنی بر فرصت و انگیزه حاصل شده است، زیرا رژیم‌های نیمه‌دموکراتیک در مقایسه با دولت‌های استبدادی ممکن است امکان بیش‌تری برای بروز درگیری‌ها فراهم کنند. اکثر کشورها از اقوام متعدد تشکیل شده‌اند. این تنوع در اغلب کشورها منبع خشونت و موجب بروز جنگ‌ها و درگیری‌های داخلی بوده است. کشور ایران نیز دارای تکثر و تنوع قومی است و اقوام ایرانی به‌طور عمده در حاشیه و نوار مرزی ایران سکونت دارند. در ایران بعضاً شاهد برخی تنش‌ها و مناقشات قومی بوده‌ایم. بنابراین، برجسته‌سازی قومیت‌ها می‌تواند باعث ایجاد خشونت سیاسی شود و فقدان حقوق سیاسی اقوام به خشونت بینجامد. در گذشته علت بیش‌تر اعتراضات خیابانی مشکلات اقتصادی بود، اما امروزه اکثر ناآرامی‌ها ریشه در فقدان دموکراسی دارد.

۵.۳ شهرنشینی

در حالی که ازدحام نهادینه جمعیت به کانون عمده تمرکز و توجه مبدل شده است، استدلال‌هایی مطرح می‌شود مبنی بر این که ازدحام جغرافیایی می‌تواند به ایجاد انگیزه برای بروز خشونت سیاسی منجر شود (Brennan-Galvin 2002). از آن‌جاکه تروریسم اساساً پدیده‌ای شهری است، کشورهایایی که توسعه سریع در شهرنشینی را تجربه می‌کنند ممکن است با افزایش خطر تروریسم مواجه شوند (Lia 2005: 141). اگر شمار جوانان در یک منطقه نسبتاً کوچک جغرافیایی زیاد باشد، ممکن است به افزایش احتمال بروز نارضایتی ناشی از تراکم در بازار کار یا تراکم در مؤسسات آموزشی منتهی شود. از لحاظ

تاریخی، هم‌زمانی و مصادف شدن تورم جوانی جمعیت با گسترش سریع شهرنشینی، به‌خصوص در شرایط توأم با بی‌کاری و فقر، یکی از عوامل مهم دخیل در بروز خشونت سیاسی بوده است (گلدستون ۱۳۹۴). جوانان اغلب بخش بسیار زیادی از مهاجران روستا به شهر را تشکیل می‌دهند. از این رو، با حضور گروه‌های سنی پرشمار جوانان در جامعه، توسعه سریع شهرنشینی ممکن است به ازدحام فوق‌العاده جوانان در مراکز شهری و متعاقب آن به‌طور بالقوه به افزایش خطر بروز خشونت سیاسی بینجامد. در ایران شهرنشینی رشد چشم‌گیری داشته است. در سال ۱۳۳۵ نرخ رشد شهرنشینی سی درصد بوده که امروزه به ۷۲ درصد رسیده است. در واقع رشد نامتعارفی داشته است که خشونت‌های اجتماعی را تشدید می‌کند.

۴. مطالعات تجربی در مورد تورم جوانی جمعیت و خشونت

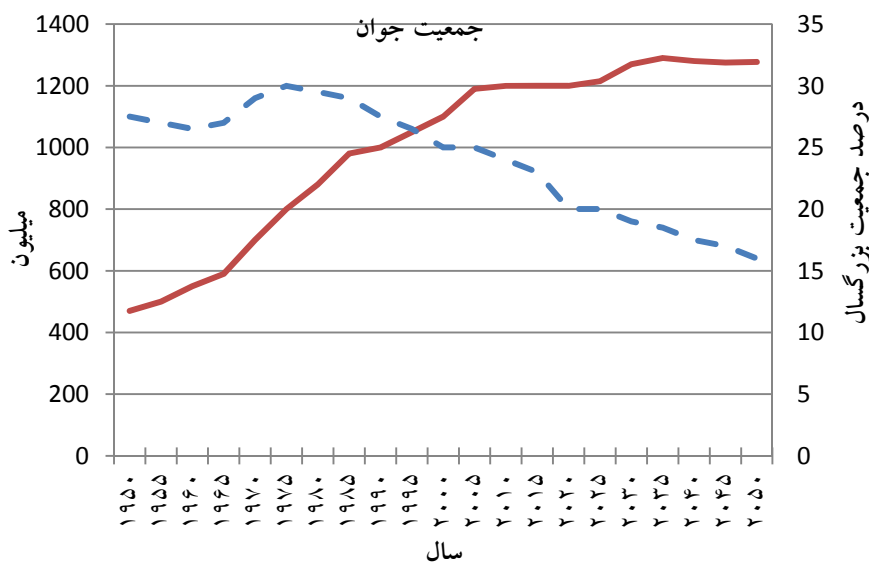
۱.۴ اندازه‌گیری تورم جوانی جمعیت

با اذعان به این‌که تعریف جوانی و درک از آن به‌میزان زیادی در جوامع متفاوت است، در این مقاله منظور از جوانان آن دسته از افراد ۱۵ تا ۲۴ ساله‌ای هستند که منطبق با تعریف سازمان ملل متحد نیز هست. در حالی که تفاوت و تنوع قابل‌توجه منطقه‌ای و محلی وسیعی در این میان دیده می‌شود، در حال حاضر تعداد کل جوانان در سطح جهان با نرخ بسیار پایین‌تری نسبت به پنج دهه قبل در حال رشد است و انتظار می‌رود بین سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۵۰ این تعداد نسبتاً ثابت باقی بماند. برخی محققان تورم جوانی را وضعیتی تعریف کرده‌اند که در آن بیش از بیست درصد جمعیت در گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال قرار دارند. در مقابل، جوامعی که کم‌تر از پانزده درصد جمعیت جوان دارند دارای «کمبود جوانی» تعریف می‌شوند (Westley and Choe 2002: 57). اندازه و طول مدت تورم جوانی به زمان‌بندی و سرعت کاهش باروری و هم‌چنین جریانات مهاجرتی بستگی دارد (بنگرید به نمودار ۱).

خط ممتد ساده در نمودار ۱ تعداد جوانان در سطح جهان را نشان می‌دهد. خط نقطه‌چین نشان‌دهنده شمار جمعیت جوانان ۱۵-۲۴ ساله به‌عنوان درصد یا بخشی از جمعیت بزرگ‌سال پانزده‌ساله و بالاتر است، به‌استثنای کسانی که زیر پانزده سال هستند. دو مطالعه معتبر اخیر، که در مورد جنگ داخلی انجام شده‌اند، در پیدا کردن رابطه‌ای میان تورم جوانی جمعیت و خطر بروز درگیری ناکام بوده‌اند. برای اندازه‌گیری تورم جوانی جمعیت از

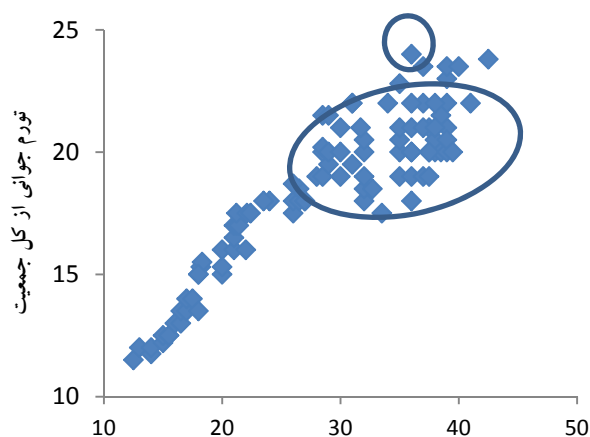
سنجه‌ها یا معیارهای متفاوتی بهره گرفته شده و جمعیت ۱۵-۲۴ ساله بر کل جمعیت، شامل کسانی که زیر پانزده سال سن داشته‌اند، تقسیم شده است (Fearon and Laitin 2003; Collier and Hoeffler 2004). چنین تعریفی از جوانان هم از دیدگاه نظری و هم از دیدگاه عملی مورد تردید و زیر سؤال است. اکثر نظریه‌های مطرح در مورد شورش جوانان بر این فرض استوارند که خشونت ناشی از رقابتی است که بین گروه‌های جوان‌تر و گروه‌های مسن‌تر در جریان است یا خشونت به این دلیل صورت می‌گیرد که جوانان تنگناهای نهادی بیش‌تری را با توجه به پرتعدادتر بودن جمعیتشان در قیاس با گروه‌های سنی قبل از خود تجربه می‌کنند. در مواردی که از کل جمعیت در منجر کسر استفاده می‌شود، تورم جوانی جمعیت در کشورهای برخوردار از تداوم باروری بالا کم‌تر از میزان واقعی آن جلوه خواهد کرد که علتش تعداد زیاد گروه‌های جمعیتی زیر پانزده سال است که موجب کاهش ظاهری شاخص تورم جوانی جمعیت می‌شود.

درعین حال، در کشورهایی که با کاهش باروری و شمار نسبتاً کم‌تر جمعیت زیر پانزده سال مواجه‌اند، به‌طور بالقوه مزیت جمعیتی ناشی از شمار بزرگ گروه‌های سنی جوانان است (بنگرید به نمودار ۱) و جمعیت‌های آن‌ها رو به بالا یا در حال رشد ارزیابی می‌شود.



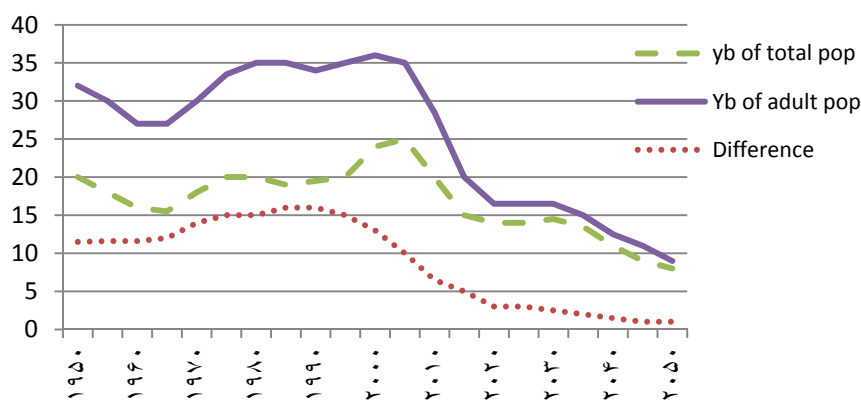
نمودار ۱. جمعیت جهانی جوانان، ۱۹۵۰-۲۰۵۰

تأثیرات ناشی از اندازه‌گیری تورم جوانی جمعیت به روش‌های مختلف در نمودار پراکندگی یعنی نمودار ۲ نشان داده شده است. در این نمودار، همه کشورهای با توجه به مقادیر مربوط به آن‌ها در مورد دو معیار یا سنجه مختلف مورد استفاده برای سنجش تورم جوانان در سال ۲۰۰۰ نشان داده شده‌اند. محور افقی یا محور x نشان‌دهنده مقادیر توصیه شده برای سنجه مورد نظر است که تورم جوانی جمعیت را نسبت به کل جمعیت بزرگسال (YBAP) نشان می‌دهد، در حالی که محور عمودی یعنی y نشان‌دهنده اندازه‌گیری ناقص جمعیت جوانان جامعه نسبت به کل جمعیت (YBTP) است. انحراف از روند خطی وقتی بیش‌تر می‌شود که اندازه نسبی گروه‌های سنی جوانان رشد می‌کند. دوایر بزرگ‌تر پایینی مربوط به کشورهایایی هستند که نه فقط واجد گروه‌های سنی بزرگی از جوانان هستند، بلکه جمعیت بسیار بزرگی از افراد زیر پانزده سال را هم شامل می‌شوند. بسیاری از کشورهای واقع در جنوب صحرای آفریقا به این گروه تعلق دارند و مشابه این شرایط در کشورهای گواتمالا، نیکاراگوئه، افغانستان، لائوس، عراق، یمن، مالدیو، و پاپوآ گینه نو نیز حاکم است. در الگوهای آماری مورد استفاده برای ارزیابی تأثیر تورم جوانی جمعیت بر بروز جنگ‌ها و مناقشات، در این گروه دوم از کشورهای مورد اشاره تأثیر قابل توجه کم‌تری بر این نتایج در هنگام استفاده از اندازه‌گیری YBTP به جای اندازه‌گیری YBAP در میان خواهد بود. دو نقطه واقع در دایره کوچک‌تر کشورهای لیبی و ایران هستند که هر دو با کاهش بسیار شدید باروری در دهه ۱۹۹۰ مواجه بوده‌اند و در حال حاضر در آستانه فرصتی برای برخورداری از سود مزیت و سود جمعیتی قرار دارند.



نمودار ۲. ساختار سنی با تعاریف مختلف (۲۰۰۰)

تفاوت بین سنجه‌ها و معیارهای اندازه‌گیری در نمودار ۳ بیش‌تر نشان داده شده است که گویای انتقال ساختاری سن در ایران است. تفاوت بین دو معیار در مرحلهٔ اولیّهٔ اوج تورم جوانی جمعیت بیش‌ترین مقدار خود را دارد و همراه با کاهش سریع سطح باروری است. این مسئله باز هم بر اهمیت استفاده از یک سنجهٔ اندازه‌گیری که شمار زیاد جمعیت زیر پانزده سال آن را مختل نکند صحنه می‌گذارد. بررسی روند تحولات جمعیت جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله در ایران نشان می‌دهد از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵ تعداد جمعیت جوانان با سرعت قابل توجهی افزایش یافته و از ۸/۵ میلیون به ۲۵ میلیون نفر رسیده است. از ۱۳۸۵ به بعد از تعداد جمعیت جوان کشور به تدریج کاسته شده و در سال ۱۳۹۰ تعداد آن‌ها به ۲۳/۷ میلیون نفر و در سال ۱۳۹۵ به ۲۱/۸ میلیون نفر رسیده است. پیش‌بینی می‌شود در آینده نیز این روند کاهشی هم‌چنان تداوم خواهد داشت. طبق پیش‌بینی‌ها در سال ۱۴۳۰، بسته به سناریوهای مختلف باروری، تعداد جمعیت جوانان بین ۱۵ میلیون تا ۱۷/۶ میلیون نفر خواهد بود. از این‌رو، سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ دوران اوج تعداد جوانان در ایران بوده است و در این سال حدود یک‌سوم جمعیت ایران را جوانان تشکیل می‌دهند که نیمی از این تعداد مرد (۱۱/۹ میلیون نفر) و نیمی دیگر زن (۱۱/۸ میلیون نفر) خواهند بود.



نمودار ۳. تغییرات ساختار سنی جمعیت در ایران ۱۹۵۰-۲۰۵۰

۲.۴ بررسی فراملی تورم جوانی جمعیت و خشونت

در پژوهشی فراملی در مورد دوره‌های زمانی اخیر از ۱۹۵۰-۲۰۰۰، معلوم شد وجود تورم جوانی جمعیت خطر بروز درگیری را به‌طور چشم‌گیری افزایش می‌دهد. این رابطه آماری

حتی زمانی که تعدادی از عوامل دیگر مانند سطح توسعه، دموکراسی، و سابقه جنگ را کنترل کنیم همچنان برقرار می‌ماند. با هر مقدار (درصد) افزایشی که در تعداد جمعیت جوان حاضر در میان جمعیت بزرگسال رخ دهد، خطر درگیری بیش از چهار درصد افزایش می‌یابد. هنگامی که جوانان بیش از ۳۵ درصد از جمعیت بزرگسال کشوری را تشکیل دهند، همان‌گونه که در بسیاری از کشورهای درحال توسعه این‌گونه است، خطر درگیری‌های مسلحانه ۱۵۰ درصد بیش‌تر از کشورهایی با ساختار سنی مشابه با کشورهای توسعه‌یافته خواهد بود.

به نظر نمی‌رسد این ادعا که تورم جوانی جمعیت به‌خصوص زمانی که از آستانه خاصی بگذرد بسیار ناپایدار و غیرقابل‌پیش‌بینی می‌شود اعتبار چندانی داشته باشد، زیرا در این موارد به نظر می‌رسد بیش‌تر روندی خطی وجود دارد (Huntington 1996). علاوه‌براین، به نظر می‌رسد تورم جوانی جمعیت با خطر بالاتری در زمینه بروز تعارض و درگیری در کشورهای با ضریب وابستگی بالا همراه است، درحالی که کشورهایی که به‌خوبی در حالت تجربه انتقال جمعیتی‌اند احتمال برخورداری‌شان از «مزیت صلح» بیش‌تر است.

اگر در موارد وقوع تورم جوانی جمعیت احتمال درگیری‌های مسلحانه افزایش می‌یابد، این افزایش چگونه است و چرا اهمیت دارد؟ درحالی که به نظر نمی‌رسد خطر جنگ هم‌زمان با سرانه بلندمدت رکود اقتصادی یا وجود ضریب وابستگی بالا، گسترش آموزش عالی، یا رشد سریع زندگی شهری افزایش پیدا کند، نتایج تحقیقات نشان می‌دهد اثر تورم جوانی جمعیت ظاهراً در مستبدترین رژیم‌های سیاسی و هم‌چنین در کشورهای دموکراتیک بیش‌تر است. این امر می‌تواند نمایان‌گر این باشد که تورم جوانی جمعیت در حکومت‌های خودکامه فرصت‌های بیش‌تر و در جوامع دموکراتیک انگیزه بیش‌تری ایجاد می‌کند.

۳.۴ آموزش و تحصیلات

برای پرداختن به این مسئله که آیا آموزش و پرورش ممکن است به‌عنوان راه‌بردی برای کاهش خطر بروز خشونت سیاسی ناشی از تورم جوانی جمعیت به‌کار آید یا نه برکات و ورودال (۲۰۰۷) مطالعه‌ای فراملی (۱۹۷۰-۲۰۰۰) را بر روی مجموعه‌ای از داده‌های جدید آموزش و پرورش انجام داده‌اند. مجموعه داده‌های مورد استفاده با کمک تکنیک‌های پیش‌بینی گذشته‌نگر جمعیت‌شناختی تدوین شده بود که پیشرفت و دستاوردهای تحصیلی

در ۱۲۰ کشور جهان را در بر می‌گرفت (Lutz 2007). تجزیه و تحلیل تجربی در واقع نشان می‌دهد که تورم جوانی جمعیت به احتمال زیاد به افزایش خطر وقوع درگیری در جوامعی منجر می‌شود که سطح آموزش متوسط مردان در آن‌ها پایین است. این یافته نشان می‌دهد در دست‌رس بودن گروه‌های سنی زیادی از جوانان دارای تحصیلات اندک می‌تواند به بروز درگیری‌های مسلحانه کمک کند. تأثیرات ناشی از تحصیلات اندک و جمعیت کثیر جوانان به خصوص در کشورهای کم‌درآمد یا دارای درآمد متوسط می‌تواند شدید باشد؛ اگرچه به نظر می‌رسد هم‌چنان وقوع این امر مشروط به عوامل اقتصادی ساختاری خواهد بود. به‌طور خاص، به نظر نمی‌رسد آموزش و پرورش اثر آرام‌بخش و تلطیف‌کننده‌ای بر گروه‌های پرشمار جوانان متعلق به جوامع شدیداً کشاورزی داشته باشد. درحالی‌که مطالعات کمی عموماً رابطه‌ای بسیار قوی بین شاخص‌های توسعه و خطر جنگ را نشان می‌دهند، نتایج این بررسی‌ها بیان‌گر آن است که کشورهای فقیر اهرم‌هایی برای اعمال نفوذ و تأثیرگذاری بر احتمال بروز درگیری و کاستن از آن از طریق افزایش فرصت‌های آموزشی برای جوانانشان در اختیار دارند. به‌طور خاص، افزایش آموزش زنان به احتمال زیاد اثری کاهنده بر بروز خطر جنگ دارد. اگرچه زنان با تحصیلات پایین معمولاً از گروه‌هایی نیستند که به‌طور مستقیم در خشونت درگیر باشند. هم‌چنین، هیچ نشانه‌ای در دست نیست مبنی بر این‌که گسترش سریع تحصیلات متوسطه یا آموزش عالی، با عرضه بیش‌ازاندازه جوانان تحصیل‌کرده (به بازار کار)، احتمال بالقوه بروز درگیری‌ها را افزایش داده است.

۴.۴ مطالعه جداگانه

آیا ساختار سنی می‌تواند تبیین‌کننده تنوع در میزان خشونت زیر سطح ملی و کشوری باشد؟ دو پژوهش اخیراً رویکردها و روش‌های کمی متفاوتی را برای تجزیه و تفکیک مطالعه راجع به تورم جوانی جمعیت و جنگ اتخاذ کرده‌اند. اولین مطالعه یک بررسی سری زمانی درباره خشونت سیاسی در ۲۷ ایالت هند در خلال دوره زمانی ۱۹۵۶-۲۰۰۲ بوده است (Urdal 2008). هند از نظر جمعیت‌شناختی کشوری بسیار متنوع است که مناطق جنوبی آن کاهش باروری بسیار قابل توجهی را تجربه کرده‌اند، درحالی‌که در مناطق شمالی آن هنوز نرخ باروری بالاست و این مناطق هم‌چنان ساختار سنی بسیار جوان خود را حفظ کرده‌اند. در این پژوهش رابطه تورم جوانی جمعیت با سنج‌ها یا معیارهای مختلف خشونت سیاسی که به‌طور مستقل از هم جمع‌آوری شده بودند (یعنی

درگیری‌های مسلحانه، روی‌دادهای سیاسی خشونت‌بار، و شورش و تظاهرات گروه‌های هندو-مسلمان) آزموده شد. نتایج برای هر سه قسم این معیارها کاملاً روشن است. تورم جوانی جمعیت خطر بروز درگیری‌های مسلحانه را افزایش می‌دهد؛ به‌ویژه در ایالت‌هایی که اکثر جمعیت را مردان تشکیل می‌دهند.

در پژوهش دوم به‌طور خاص به چگونگی تأثیر ساختار سنی جوان جمعیت در مراکز شهری بر سطح ناهنجاری‌های اجتماعی و خشونت پرداخته می‌شود (Urdal and Hoelscher 2009). در میان بسیاری از نگرانی‌های مطرح در مورد روند شهرنشینی سریع، این سؤال سر برمی‌آورد که آیا تورم جوانی شدید در مراکز شهری ممکن است منبع بی‌ثباتی سیاسی یا خشونت باشد. جوانان، به‌ویژه مردان جوان، به‌لحاظ تاریخی سهم نامتناسب و بزرگی از مهاجرت از مناطق روستایی به مناطق شهری را به خود اختصاص داده‌اند و سهم مردان جوان در اغلب مراکز شهری نسبت به مناطق روستایی بیش‌تر است. در این باره استدلال شده است که در مواردی که این جوانان از حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی کنار گذاشته شوند تورم جوانی جمعیت در مراکز شهری ممکن است به منبع بی‌ثباتی و خشونت سیاسی تبدیل شود. در این مقاله، به بررسی و ارزیابی تجربی این ادعا از زاویه‌ای کاملاً جدید با استفاده از داده‌هایی در سطح شهرستان در زمینه اختلالات اجتماعی شهری، اعم از اقدامات غیرخشونت‌آمیز مانند تظاهرات و اعتصابات و اقدامات سیاسی خشونت‌آمیز مانند شورش، تروریسم، و درگیری‌های مسلحانه، پرداخته شده است. مجموعه داده‌های این بررسی ۵۵ شهر عمده در آسیا و کشورهای جنوب صحرائی آفریقا را پوشش می‌دهد و بازه زمانی آن از سال ۱۹۶۰-۲۰۰۶ است. اهمیت ساختار سنی بیش‌تر در پیوند با عوامل و شرایطی که به‌طور بالقوه محرومیت جوانان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند (به‌ویژه سطح اشتغال غیررسمی، رشد اقتصادی، آموزش و پرورش، و عدم توازن جنسیتی) در نظر گرفته می‌شود. نتایج نشان داد تورم جوانی جمعیت زیاد مردان ۱۵-۲۴ ساله به‌طور کلی با افزایش خطر اختلالات و ناهنجاری‌های اجتماعی اعم از خشونت‌آمیز و غیرخشونت‌آمیز همراه است.

۵. صلح جمعیتی

تا سال ۲۰۵۰، جهان دست‌خوش تغییری چشم‌گیر در ساختار سنی جمعیت بزرگ‌سال در مقایسه با سال ۱۹۵۰ خواهد شد. در طول دوره زمانی از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۰، جوانان بین

۱۵ تا ۲۴ سال بیش از ۲۵ درصد از جمعیت بزرگسال را در آسیا، آفریقا، و آمریکا تشکیل می‌دادند؛ با این حال، بخش جمعیت سازمان ملل متحد پیش‌بینی کرده است تا سال ۲۰۵۰ فقط کشورهای جنوب صحرای آفریقا هم‌چنان جمعیت جوان بالای ۲۵ درصد را حفظ خواهند کرد، و این درحالی است که در اکثر مناطق دیگر جهان سهم این گروه ۱۵ درصد خواهد بود. دلیل اصلی این تغییر کاهش جهانی باروری است که از دهه ۱۹۶۰ آغاز شده است و در خلال دهه‌های گذشته شتاب بیش‌تری گرفته است. سؤال این است که آیا این جهان رو به پیری به جهان صلح‌آمیزتری تبدیل خواهد شد.

مطالعات اخیر در زمینه جمعیت‌شناسی اقتصادی نشان می‌دهد رابطه بین گروه‌های پرشمار جوانان و خشونت سیاسی، در صورتی که تورم جوانی جمعیت قبل از گروه‌های قابل توجه کوچک‌تر باشد، ممکن است خاموش و بی‌سروصدا باقی بماند. اقتصاددانان و جمعیت‌شناسان از مدت‌ها قبل این موضوع و تأثیر منفی رشد جمعیت بر رشد اقتصادی را مورد بحث قرار داده‌اند. به تازگی، این بحث مبسوط‌تر و پیشرفته‌تر شده و بر تجزیه و تحلیل مستقل اثرات رشد در میان بخش‌ها و گروه‌های سنی مختلف تمرکز یافته است. درحالی که نرخ رشد بالا در جمعیت غیرشاغل یا گروه‌های سنی وابسته به رشد اقتصادی کم متناسب می‌شود، افزایش شمار جمعیت حاضر در سن کار و اشتغال رابطه مستقیم و مثبتی با رشد اقتصادی خواهد داشت (Kelley and Schmidt 2001). بنابراین، در مناطقی که انتقال جمعیت به خوبی و با کاهش شدید نرخ باروری در جریان است، کشورها ممکن است پنجره فرصت جمعیتی برای توسعه اقتصادی را تجربه کنند که اغلب به پیدایش مزیتی جمعیتی برای آنان می‌انجامد که عمدتاً ناشی از افزایش ذخایر جامعه به دلیل کاهش نسبی تعداد افراد وابسته است.

در کشورهایی که رشد جمعیت ۰-۱۴ سال بالاست، تورم جوانی جمعیت به شدت با شروع درگیری‌های مسلحانه در ارتباط است. اما، در جایی که باروری به سرعت رو به کاهش بوده و به رشد کم یا حتی منفی جمعیت در گروه سنی ۰-۱۴ سال منجر شده است، تورم جوانی جمعیت رابطه منفی (معکوس) با شروع درگیری‌های مسلحانه دارد؛ هرچند اختلاف (تعداد) میان آن‌ها از نظر آماری معنی‌دار نیست. یکی از تفسیرهای ممکن درباره یافته دوم این است که این دسته شامل هر دو گروه از کشورهایی است که در استفاده از پنجره فرصت جمعیتی موفق یا ناموفق عمل کرده‌اند، و نیز این که تورم جوانی جمعیت در این گروه از کشورها تأثیرات پیچیده‌تری بر گرایش جوامع به جنگ و درگیری داشته است.

براساس پیش‌بینی بخش جمعیت سازمان ملل متحد در مورد ساختار سنی و تعداد کل جمعیت و مرگ‌ومیر نوزادان، می‌توانیم توصیف کنیم که چگونه خطر احتمالی جنگ و درگیری تا سال ۲۰۵۰ برای مناطق مختلف جهان در حال افزایش خواهد بود. با نگاهی به آینده، می‌توان دید که سه منطقه از جهان با بالاترین خطرات کنونی مواجه‌اند. این مناطق عبارت‌اند از کشورهای جنوب صحرای آفریقا (SSA)، کشورهای آسیایی، و کشورهای واقع در خاورمیانه و شمال آفریقا (منا/ MENA). با توجه به این الگو، سریع‌ترین کاهش در منطقه جنوب صحرای آفریقا خواهد بود که در آن سطح خطر می‌تواند تا چهل درصد کاهش یابد، به شرطی که پیش‌بینی‌های سازمان ملل متحد به حقیقت پیوندند. این مدل هم‌چنین کاهش چشم‌گیری را در منطقه منای پیش‌بینی کرده است که در آن سطح خطر می‌تواند تقریباً تا سطح اروپا کاهش یابد.

۶. نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر، دریافتیم که عوامل جمعیت‌شناختی در خطر بروز خشونت‌های سیاسی مؤثر است. با این حال، کشورها تاحدی قادرند از احتمال بروز این مخاطرات، از طریق فراهم کردن فرصت برای جوانان خود، بکاهند. بنابراین، در وهله اول و عمدتاً باید درصدد فراهم کردن خدمات تحصیلی و آموزش و پرورش برای جوانان خود باشند. به نظر می‌رسد کشورهای کم درآمد کم و متوسط برخوردارند سطح تحصیلات در آن‌ها بیش‌تر در مقطع متوسطه است. اگرچه ظاهراً این امر منوط به عوامل اقتصادی ساختاری در این کشورها نیز است. علاوه بر این، انتظار می‌رود اهمیت تأثیر جوانی جمعیت بر ایجاد خشونت سیاسی در بسیاری از نقاط جهان در طول دهه‌های بعد کم‌کم افول کند که بروز این پدیده به دلیل کاهش باروری است. رابطه کلی بین ساختار سنی و درگیری و جنگ در دوره‌ای که کشورها کاهش نرخ باروری را تجربه می‌کنند وجود داشته است، اما در آینده این رابطه ضعیف‌تر خواهد شد. با این حال، برای کشورهایی که در سال‌های آینده با سطح باروری بالا و نسبت بالایی از جمعیت جوان در کل جمعیت خود مواجه خواهند بود، به خصوص در کشورهای واقع در خاورمیانه و آفریقا و بخش‌هایی از آسیا، ترکیب سنی جمعیت هنوز هم مستلزم لحاظ کردن برخی احتیاط‌ها خواهد بود.

به منظور جلوگیری از بی‌ثباتی و خشونت، تمرکز کشورها باید بر ایجاد فرصت‌های اقتصادی برای جوانان باشد و نظارت‌های خاصی به ویژه در مورد فراهم کردن فرصت اشتغال

یا فرصت‌های آموزشی برای جوانان در دوره‌های رکود اقتصادی معمول شود. درحالی‌که فراهم‌کردن و گسترش فرصت برای تحصیل و آموزش و پرورش به‌طور کلی نقشی آرام‌کننده بر گروه‌های جوان دارد، برخی شواهد نشان می‌دهد وقتی فرصت برای آموزش عالی در جوامع گسترش می‌یابد نبود فرصت‌های شغلی برای جوانان دارای تحصیلات عالی ممکن است به بی‌ثباتی کمک کند.

با محدودکردن فرصت‌های مهاجرت ممکن است خطر بروز خشونت در برخی از کشورهای دچار تورم جوانی جمعیت افزایش یابد. اگر این افزایش جمعیت با افزایش فرصت‌های شغلی داخلی قابل‌جبران نباشد، مهاجرت ممکن است در کشورهای دارای گروه کثیری از جوانان به‌صورت سوپاپ اطمینان عمل کند. در بررسی‌های اخیر، تقریباً نیمی از جوانان عرب، که از آن‌ها سؤال شده بود، تمایلشان را به مهاجرت ابراز داشته و آن را به نگرانی‌های مربوط به فرصت‌های شغلی و تحصیلی منتسب کرده‌اند. اگر فرصت مهاجرت به‌طور فزاینده‌ای بدون طرح و اقدامات داخلی به‌منظور ایجاد فرصت برای جوانان محدود شود، کشورهای درحال‌توسعه‌ای که قبلاً بر صدور نیروی جوان مازاد خود متکی بودند ممکن است، با افزایش فشار ناشی از جوانی جمعیت، مخاطرات بیش‌تری مربوط به بروز خشونت سیاسی را تجربه کنند.

بررسی‌های تفکیکی و تکمیلی و مطالعات محلی و منطقه‌ای می‌توانند آزمون بهتری برای بررسی برخی از روابط موجود میان فرصت‌های در اختیار جوانان و خشونت فراهم کنند. درحالی‌که نتایج مورد اشاره در این مقاله رابطه بین ساختار جوان جمعیت شهری و خشونت در سطح شهر را کاملاً تأیید نمی‌کنند، فقدان شاخص‌های مناسب برای انجام‌دادن پژوهش در سطح یک شهر در عرصه‌هایی مانند محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی بر سر راه ارزیابی کامل عوامل زمینه‌ای مانع ایجاد می‌کند. انجام‌دادن مطالعات جداگانه و تفکیکی نیز می‌تواند باعث بررسی این امر شود که آیا تفاوت ساختارهای سنی بین گروه‌های هویتی می‌تواند به درگیری‌های بین‌قومی کمک کند.

در صورتی که جمعیت جوان کشور به‌درستی مدیریت نشود، ممکن است به تغییرات اجتماعی سریع در جنبش‌های اجتماعی، افزایش آسیب‌های اجتماعی، و رفتارهای پرخطر منجر شود. پدیده جوانی جمعیت در ایران موقت است. این تعداد جوان نتیجه باروری بالا در دهه اول انقلاب است، که در مسیر گذار از دوره جوانی عبور کرده و به‌سمت میان‌سالی می‌رود و در نهایت از سال ۱۴۲۰ به‌بعد وارد مرحله سال‌مندی می‌شود و در نتیجه سال‌خوردگی جمعیت ایران را به‌هم‌راه خواهد داشت. با وجود این، در حال حاضر توجه

دولت مردان و مدیران و سیاست‌گذاران کشور بیش‌تر به پی‌آمدهای مرحله بعدی گذار ساختار سنی یعنی سال‌خوردگی جمعیت است. این موضوع موجب شده است جوانان و فرصت‌ها و چالش‌های آن‌ها تا حدودی نادیده گرفته شود. این درحالی است که سرمایه‌گذاری و سیاست‌گذاری برای اشتغال جوانان و بهره‌برداری از آن‌ها در بستر مرحله پنجره جمعیتی است که سال‌مندی سالم، فعال، و موفقیت‌آمیز و هم‌چنین سود جمعیتی دوم را، که خاص دوره سال‌خوردگی جمعیت است، تضمین خواهد کرد. درغیراین‌صورت، نه‌تنها فرصت طلایی پنجره جمعیتی از دست می‌رود، بلکه عدم استفاده از این فرصت به تهدیدها و چالش‌های واحد منجر می‌شود و سود بالقوه جمعیتی این دوران به‌آسانی به بار جمعیتی تبدیل می‌شود و دوره سال‌خوردگی جمعیت مسئله‌دار را نیز درپیش خواهیم داشت.

براساس این نتایج، پیش‌نهاد می‌شود مطالعه به روش‌های کیفی برای هر یک از متغیرهای زمینه‌ای (اثر حجم گروه سنی، رشد اقتصادی، تحصیلات، فقدان دموکراسی، و شهرنشینی) مرتبط با خشونت به‌صورت مقایسه‌ای انجام شود. با توجه به ارتباط آماری بین ساختار سنی جمعیت و خشونت سیاسی، دولت‌ها باید در حوزه آموزش و پرورش متوسطه بیش‌تر سرمایه‌گذاری کنند تا کم‌تر با خطر بروز درگیری مواجه شوند. اگر جوانان به‌گونه‌ای رها شوند که هیچ چاره‌ای جز مواجهه با بی‌کاری و فقر نداشته باشند، به‌طور فزاینده و به‌احتمال زیاد پیوستن به شورش و طغیان را به‌عنوان روش جای‌گزین ایجاد درآمد برای خود برخواهند گزید. لذا دولت باید به خواسته‌های اقتصادی - سیاسی جوانان پاسخ دهد.

کتاب‌نامه

- صادقی، رسول، محمدجلال عباسی، و سراج‌الدین محمودیانی (۱۳۹۴)، «تورم جوانی جمعیت در ایران؛ خلأهای تحقیقاتی و الزامات سیستمی»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، س ۱۰، ش ۱۹.
- کمالی‌ها، آنیثا (۱۳۹۵)، *بررسی تطبیقی وضعیت ساختار جمعیتی جوانان تهران از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۹۰*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، رودهن: دانشگاه آزاد اسلامی.
- گلدستون، جک (۱۳۹۴)، *جمعیت‌شناسی سیاسی؛ نقش تغییرات جمعیتی در سیاست ملی و امنیت بین‌المللی*، ترجمه یعقوب فروتن، تهران: مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.

Braungart, Richard G. (1984), "Historical and Generational Patterns of Youth Movements; A Global Perspective", *Comparative Social Research*, vol. 7.

- Brennan-Galvin, Ellen (2002), "Crime and Violence in an Urbanizing World", *Journal of International Affairs*, vol. 56.
- Brett, Rachel and Irma Specht (2004), *Young Soldiers; Why They Choose to Fight*, Colorado and London: Lynne Rienner.
- Choucri, Nazli (1974), *Population Dynamics and International Violence; Propositions, Insights, and Evidence*, Lexington, MA: Lexington.
- Collier, Paul (2000), "Doing Well Out of War; An Economic Perspective", in *Greed and Grievance; Economic Agendas in Civil Wars*, Mats Berdal and David M. Malone (eds.), Colorado and London: Lynne Rienner.
- Collier, Paul and Anke Hoeffler (2004), "Greed and Grievance in Civil War", *Oxford Economic Papers*, no. 56.
- Fearon, James D. and David D. Laitin (2003), "Ethnicity, Insurgency, and Civil War", *American Political Science Review*, vol. 97.
- Fuller, Graham (2003), *The Youth Factor; The New Demographics of the Middle East and the Implication for U.S. Policy*, Washington DC: Saban Center for Middle East Policy at the Brookings Institution.
- Goldstone, Jack A. (1991), *Revolution and Rebellion in the Early Modern World*, Berkeley, CA: University of California Press.
- Gurr, T. Robert (1970), *Why Men Rebel*, Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Hegre, Havard, Tanja Ellingsen, Scott Gates, and Nils Petter Gleditsch (2001), "Toward a Democratic Civil Peace? Democracy, Political Change, and Civil War, 1816–1992", *American Political Science Review*, vol. 95.
- Huntington, Samuel P. (1996), *The Clash of Civilizations and the Remaking of World Order*, New York: Simon and Schuster.
- Huntington, Samuel P. (2001), "So, Are Civilizations at War?" Interview with Michael Steinberger, *The Observer*, Sunday October 21:
<<https://www.theguardian.com/world/2001/oct/21/afghanistan.religion2>>.
- Kahl, Colin H. (1998), "Population Growth, Environmental Degradation, and State-Sponsored Violence; The Case of Kenya, 1991–93", *International Security*, vol. 23.
- Kaplan, Robert D. (1994), "The Coming Anarchy", *Atlantic Monthly*, vol. 273.
- Kelley, Allen C. and Robert M. Schmidt (2001), "Economic and Demographic Change; A Synthesis of Models, Findings, and Perspectives", in *Population Matters; Demographic Change, Economic Growth, and Poverty in the Developing World*, Nancy Birdsall, Allen C. Kelley, and Steven W. Sinding (eds.), New York: Oxford University Press.
- Lia, Brynjar (2005), *Globalisation and the Future of Terrorism; Patterns and Predictions*, London and New York: Routledge.
- Lutz, Wolfgang, Anne Goujon, Samir K. C., and Warren Sanderson (2007), *Reconstruction of Population by Age, Sex, and Level of Educational Attainment for 120 Countries 1970–2000*, Laxenburg, Austria: IIASA.
- Urdal, Henrik (2008), "Population, Resources, and Violent Conflict; A Sub-National Study of India 1956–2002", *Journal of Conflict Resolution*, vol. 52.

- Urdal, Henrik and Kristian Hoelscher (2009), "Urban Youth Bulges and Social Disorder; An Empirical Study of Asian and Sub-Saharan African Cities", *World Bank Policy Research Working Paper*, no. 5110.
- Westley, S. D. and M. Kim Choe (2002), "The Young Adult Years; Diversity, Structural Change, and Fertility", *Demography*, vol. 28, no. 4.
- Winckler, Onn (2002), "The Demographic Dilemma of the Arab World; The Employment Aspect", *Journal of Contemporary History*, vol. 37, no. 4.
- Xenos, P. and M. Kabamalan (1998), "The Social Demography of Asian Youth; A Reconstruction over 1950-1990 and Projections to 2025", *East-West Center Working Papers*, no. 102.
- Zakaria, Fareed (2001), "The Roots of Rage", *Newsweek*, vol. 138, no. 16.